

مطالعه تطبیقی سربویشها و
 آسمانه‌های تصویرشده در نگاره‌های
 دوره صفوی با تأکید بر جنسیت
 (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیدیاو
 هفت اورنگ جامی) ۱۵۷/ - ۱۷۱



نمونه‌ای آسمانه‌های تصویر شده در
 نسخه نگاره «شاهنامه رشیدیا»، ماخذ:
 www.golestanpalace.ir



مطالعه تطبیقی سرپوش‌ها و آسمانه‌های تصویر شده در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر جنسیت (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیدا و هفت اورنگ جامی)

آریتا بلالی اسکویی * میلاد طبقی سالم **

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۲۴

صفحه ۱۵۷ تا ۱۷۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پوشش در دوران مختلف نمادی از فرهنگ و نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی افراد و جامعه بوده است و از لحاظ واژه‌ای به جنبه‌های مختلفی اشاره دارد. ایران با توجه به تاریخ چند هزار ساله در مورد پوشش‌ها از لحاظ شکل و هندسه، از غنای بالایی برخوردار است که می‌توان آن را در نگاره‌های دوره‌های مختلف نظاره‌گر بود. نکته قابل تأمل در بحث پوشش‌ها عواملی است که از جهات مختلفی بر آنها تأثیر داشته که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنها جنسیت است. مطالعات پیشین نشانگر آن است که جنسیت در پوشش انسان‌ها تأثیرگذار بوده ولیکن چگونه می‌توان این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را در پوشش نگاره‌های دوره صفوی نیز مشاهده کرد؟ هدف این تحقیق بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پوشش‌های انسانی و معماری بر یکدیگر در نگاره‌هاست. لذا سؤال‌های اصلی چنین خواهد بود: ۱- آیا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان سرپوش‌ها و آسمانه‌ها در نگاره‌های دوره صفوی دیده می‌شود؟ ۲- کدام عوامل باعث تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان سرپوش‌ها و آسمانه‌ها می‌شود؟ ۳- جنسیت چه نقشی در این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ایفاء می‌کند؟ روش تحقیق این پژوهش، از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی با رویکردی تطبیقی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. نتایج تحقیق در نگاره‌ها حاکی از آن است که عوامل متعددی در تأثیرپذیری آن دو بر یکدیگر وجود دارد و جنسیت هم به عنوان یکی از این عوامل نقش پررنگی ایفاء کرده که این را به صورت محسوس در پوشش بناها می‌توان مشاهده کرد و این نشان‌دهنده روابط تنگاتنگی ما بین آنهاست. در این مقاله پوشش‌ها از لحاظ فرم و هندسه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و با توجه به وسعت مطالب می‌توان آنها را از جنبه‌های دیگری نیز (از جمله رنگ) مورد مطالعه قرار داد.

کلیدواژه‌ها

جنسیت، سرپوش، آسمانه، نگاره‌ها، رشیدا، هفت اورنگ، صفوی

*دانشیار گروه معماری، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، شهر تبریز، استان آذربایجان (نویسنده مسئول). Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

**دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی، شهر تبریز، استان آذربایجان Email: m.tabaghchi@tabriziau.ac.ir

مقدمه

پوشش واژه‌ای است که محتویات گوناگونی در خود دارد و نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. پوشش نشانه‌ای بر فرهنگ بوده و جایگاه اجتماعی، در دوره‌های مختلف تحت تأثیر آن قرار گرفته است و در برگیرنده اجزای گوناگونی هست که در این مقاله به دو جنبه آن - که در برگیرنده عنصر انسانی یا همان «سربویش» و نیز عنصر معماری که در اصطلاح به آن «آسمانه» می‌گویند - اشاره شده است. سربویش و آسمانه در فرهنگ ایرانی-اسلامی با توجه به وجود ادیان‌های متعدد از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند که سرزمین ایران یکی از غنی‌ترین تمدن‌ها را در جهان داشته و به سبب آن، از پوشش‌های متنوع و با اصالت برخوردار بوده چنانکه مایه الهام هنرمندان غرب در دوره‌های مختلفی بوده است. عوامل زیادی در شکل‌گیری این پوشش‌ها تأثیرگذار بوده‌اند که یکی از مهمترین و اساسی‌ترین آنها جنسیت است. جنسیت باعث شکل‌گیری پوشش‌ها با فرم‌ها و هندسه‌های متنوعی شده که این تغییرات را در عنصر انسانی می‌توان مشاهده کرد، بهترین راه برای جمع‌آوری این اطلاعات مراجعه به نگاره‌هایی از دوره‌های مختلف است که در این پژوهش سعی شده است با انتخاب نگاره‌هایی با محتوایی متنوع به مقایسه سربویش‌ها و آسمانه‌ها پرداخته و به بررسی این تأثیرگذاری و رابطه هندسی و فرمی بین آنها بپردازد. نگاره‌ها در دوره‌های مختلف یکی از شاخص‌ترین اسناد تصویری بوده که نگارگر با استفاده از خلاقیت و تصویرگری خاص و البته با استفاده از اشکال هندسی و اسلیمی با ساده‌سازی رویدادهای تاریخی به شناخت دوره‌های مختلف کمک فراوانی داشته است. فرم‌ها و هندسه‌ها نقش مهمی در بیانات نگارگر ایفا کرده که نسبت به زمینه تغییر می‌کند و باعث ایجاد احساسات متفاوتی می‌گردد در برخی موارد از فرم‌های شکسته و تیز و در دیگر موضوع‌ها از فرم‌های نرم و خمیده استفاده شده است. نگارگر سعی داشته با استفاده از ساده‌ترین اشکال و گاهی اوقات تشابه به ارائه احساسات و شناخت آن دوران کمک کند که این را در پوشش‌ها و نیز بناها می‌توان مشاهده کرد. لازم به توضیح است که با توجه به ماهیت این مقاله، در این پژوهش تمرکز اصلی بر پوشش‌های تصویرشده در نگاره‌ها است.

اهداف این تحقیق به شرح ذیل است:

- مشخص نمودن وجوه اشتراک سربویش و آسمانه در نگاره‌های دوره صفوی

- بررسی تأثیرگذاری جنسیت در آسمانه‌های تصویرشده در نگاره‌های دوره صفوی

سوالات این تحقیق عبارتند از:

۱. آیا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان سربویش‌ها و آسمانه‌ها در نگاره‌های دوره صفوی دیده می‌شود؟

۲. کدام عوامل باعث تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان

سربویش‌ها و آسمانه‌ها می‌شود؟

۳. جنسیت چه نقشی در این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ایفاء می‌کند؟

درباره ضرورت و اهمیت این پژوهش دلایل متقنی وجود دارد که با توجه به تمدن و فرهنگ ایرانی-اسلامی، پوشش یکی از شاخص‌ترین مباحث فرهنگی - چه از نظر سربویش و چه از منظر آسمانه - که نشانگر جایگاه و شخصیت اجتماعی و... بوده که در طول تاریخ تغییرات زیادی را در خود دیده که امروزه با مدرنیته شدن جامعه توجه کمتری به ویژگی‌ها و خصصت‌های جنسیتی شده است و ضرورت ایجاد می‌کند در طراحی‌های آینده با شناخت دقیق آنها به طرحی کامل تر و موشکافانه‌تری نسبت به این مسئله پرداخته شود. به این نکته هم می‌شود اشاره کرد که لباس به عنوان محافظ حریم شخصی افراد و معماری به عنوان محافظ حریم اجتماعی جامعه عمل می‌کند و سربویش یکی از اجزاء اصلی لباس و آسمانه هم یکی از اجزاء اصلی معماری شناخته می‌شوند. هر دوی آنها با انسان در ارتباط هستند به خاطر همین نمی‌شود ارتباط آن دو را با هم نادیده گرفت.

روش تحقیق

روش این مقاله، توصیفی-تحلیلی و از نوع کیفی است و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. این پژوهش در حوزه مطالعات تاریخی بوده و به دنبال کشف حقایق معماری از اسناد و مدارک تصویری موثق همچون نگاره‌هاست که یکی از مهمترین منابع معماری به شمار می‌روند. جامعه آماری، با توجه به ماهیت پژوهش شامل نگاره‌هایی است که بیشترین تصویرگری از بناهای معماری را داشته و همچنین دارای محتواهای متفاوت بوده است. لذا تعداد جامعه آماری شامل نگاره‌های "شاهنامه رشیداو" و "هفت اورنگ جامی" بوده که هر یک از آنها مربوط به دوره صفوی و دارای محتواهایی بترتیب حماسی و عرفانی می‌باشند که باعث تنوع بیشتری جهت انتخاب نمونه‌ها، برای تحلیل بهتر و دقیق‌تری خواهند شد. روش تجزیه و تحلیل کیفی است.

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر در مورد پوشش و همچنین مقایسه تطبیقی آن چه داخلی و چه به صورت لاتین مقالات متعددی چاپ شده است که در این قسمت به بخشی از این مقالات پرداخته شده است.

جلیلیان و فاطمی در مقاله‌ای تحت عنوان "پوشش زنان در ایران باستان (مطالعه موردی دوره هخامنشیان)" که در سال ۱۳۹۰ با رویکرد مطالعه تاریخی توصیفی در شماره سوم فصلنامه تحقیقات فرهنگ ایران چاپ شد به مطالعه نوع پوشش زنان ایران در دوره هخامنشیان می‌پردازند. در



در معماری عصر صفوی " که در سال ۱۳۹۱ در شماره یکم مجله هنرهای زیبا به تالیف رسید با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی شش نمونه موردی از پوشش‌های مساجد و مدارس صفوی بررسی شده است. در هر نمونه، نمادهای به کاررفته در شکل، آرایه، منظر شهری و جلوه‌های نور پوشش معرفی و سپس براساس مطالعات تاریخی کتابخان‌های، معنایی که قراین و شواهد معرف آن است، بدین ترتیب، افزون بر دو معنای «آسمان» و «توحید» که از معانی پیشینی گنبد و متعلق به دیگر ادوار معماری اسلامی است، دو معنای «بهشت» و «انسان کامل» بروز می‌یابد.

انصاری یکتا و احمدی پیام در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی" در سال ۱۳۹۳ که در شماره چهارم نشریه زن در فرهنگ و هنر چاپ شد به بررسی تحلیلی - تطبیقی پوشاک زنان دوره تیموری و صفوی پرداخته است، وجه اشتراک هر دو زمان توجه به جایگاه والای زنان است.

تقوی و موسوی نیز در مقاله تحت عنوان "بررسی حضور اجتماعی زنان و سیر تحول پوشش در نگاره‌های عصر صفوی" در سال ۱۳۹۲ در شماره هجدهم فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ چاپ شد به گونه بندی پوشش زنان و تأثیر آن در نقش اجتماعی آنان پرداخته است.

سیلویا هاتلینگ^۱ در سال ۲۰۱۷، مقاله‌ای را تحت عنوان «لباس‌های فروتن امپراتور»^۲ به چاپ رساند که به نقش پوشش بر جایگاه فردی اشاره داشته که این را در برخی از نگاره‌هایی در هند به دوره امپراطوری مغول مربوط می‌شود نشان داده است.

از دیگر افرادی که در این زمینه فعالیت داشته‌اند می‌توان به باهر اسماعیل فرهاث^۳ اشاره کرد که در سال ۲۰۱۴ در مقاله تحت عنوان «ارتباط بین مد و معماری»^۴ به رابطه تنگاتنگی که بین مد پوشاک با معماری دارد اشاره داشت است و این روابط به از جنبه‌های مقیاس و روند طراحی و همچنین جنس مصالح بررسی کرده است که در آخر به تأثیرگذاری این دو بر یکدیگر اشاره دارد.^۵

سلطان زاده در کتاب خود با عنوان «فضاهای معماری شهری در نگارگری ایرانی» که در انتشارات پیام در سال ۱۳۸۷ به چاپ رساند به دسته بندی فضایی مکان‌های اشاره شده در نگاره‌ها پرداخته و به هندسه‌های گنبدی، شش وجهی و هشت وجهی اشاره می‌کند.

جنسیت یکی از عوامل قابل تامل در بحث پوشش و عاملی بر تأثیرگذاری پوشش‌های انسانی و معماری بر یکدیگر است اگرچه در مقالات لاتین به روابط این دو از جنبه‌های متفاوتی پرداخته شده اما به جنسیت که عامل کلیدی در شکل گیری فرم و هندسه آنهاست هیچگونه اشاره‌ای نشده است. مطالعات پیشین، آن را در پوشش‌های انسانی و بناهای معماری به صورت مجزا مورد بررسی قرار داده ولیکن



تصویر ۱. نمونه از سرپوش مردان تصویر شده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی». مأخذ: www.freersackler.si.edu



تصویر ۲. نمونه‌ای از سرپوش مردان تصویر شده در نسخه نگاره «شاهنامه رشیدیا». مأخذ: www.golestanpalace.ir

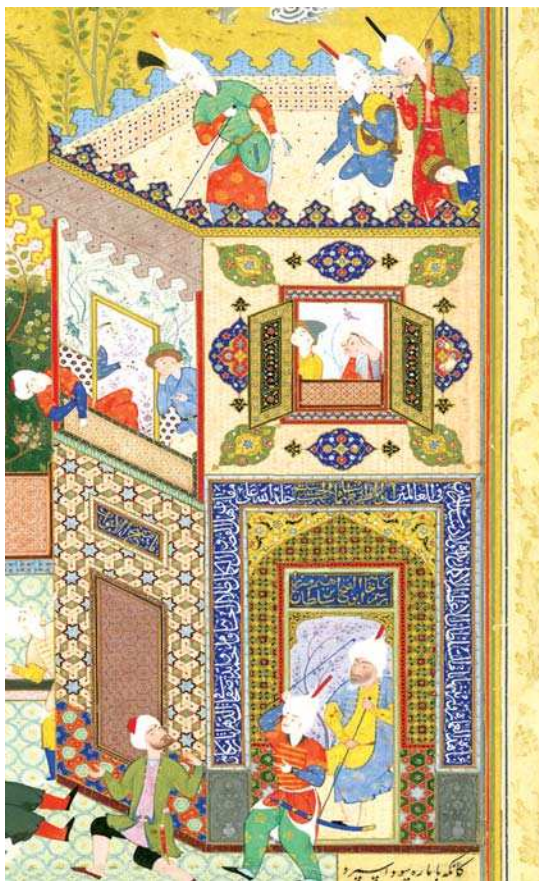


تصویر ۳. نمونه از سرپوش زنان تصویر شده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی». مأخذ: www.freersackler.si.edu

این پژوهش کوشش شده با نگاهی تحلیلی به همه منابعی که آگاهی‌هایی را درباره پوشش و نوع جامه زنان هخامنشی به دست می‌دهند باشد. صفایی پور و پورمند در مقاله‌ای با عنوان "معنای پوشش

1. SYLVIA HOUGHTLING
2. THE EMPEROR'S HUMBLER CLOTHES
3. Baher Ismail Farahat
4. The Interrelationship Between Fashion And Architecture

5. Both fields passed through several era were design transits from the complexity to the modernity and simplicity of design. On the other hand, there are many similarities in materials characteristics although both fields use totally different martial on different scale. So this study explores if these two fields have any effect on each other» (Farahat, 2014).



تصویره . نمونه از آسمانه‌های تصویر شده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی»، مأخذ: همان.



تصویره. نمونه از آسکانه های تصویرشده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی». مأخذ: همان.

که زنان با آن سر خود را بپوشانند، آنچه که بالای چیزی بگذارند که روی آن پوشیده شود» و نیز در فرهنگ معین چنین اشاره شده است: «مقنعه زنان، سرانداز» بنابراین تعریف هر چیزی را که برای پوشش سر به کار رود، می‌توان «سرپوش» نامید. به همین دلیل، در این مقاله به تمامی انواع پوشش‌های سر به طور عام «سرپوش» گفته می‌شود که در دوره‌های مختلف تداعی کننده جایگاه اجتماعی افراد و دارای ارزش و اهمیت خاصی بود چنانکه پوشاک اصلی تا حدودی قابل تعویض بود، مگر سربندها و روبنده‌ها، به استثنای طبقاتی نظیر مهران و درویشان. با وجود این، می‌توان گفت که سبک اصلی سرپوش در طبقات مختلف، با درجات مختلفی از ساده پوشی همراه بوده است (جعفرپور و مجیدی، ۱۳۸۵، ۵۱). سرپوش‌های تصویرشده در نگاره‌ها نشاندهنده این طبقات اجتماعی مرفه، عادی و تهیدست شده است.

آسمانه (عنصر معماری):

علامه دهخدا آسمانه را اینگونه تعریف می‌کند: «سقف،

در این مقاله سعی شده است با نگاهی متفاوت و تحلیلی و با استفاده از نگاره‌ها به عنوان منابع تصویری موثق به صورت اختصاصی به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین سرپوش‌ها و آسمانه‌ها از لحاظ جنسیتی در دوره صفوی که در نگاره‌ها به تصویر کشیده شده است بپردازد.

مبانی نظری

باز شناخت مفاهیم پوشش، سرپوش و آسمانه

پوشش: دهخدا در مورد واژه پوشش اینطور اشاره می‌کند: «اسم مصدر پوشیدن، ستر، حجاب، مستر، جامه و پوشاک» (دهخدا، ۱۳۸۴). با توجه به این تعریف می‌توان آن را به دو عنصر انسانی و معماری طبقه‌بندی کرد. با نگاهی کلی به پوشش زنان و مردان در نگاره‌ها از لحاظ عنصر انسانی، میتوان آن را به «سرپوش، تن پوش و پای پوش» تقسیم بندی کرد (انصاری یکتا و احمدی پیام، ۱۳۹۳) که این مقاله به طور اختصار به بررسی و مطالعه «سرپوش‌ها» پرداخته است.

سرپوش (عنصر انسانی):

فرهنگ عمید در مورد واژه سرپوش می‌نویسد: «پارچه‌ای

سرپوش‌ها در سفرنامه‌های عصر صفوی

پوشاک خود نماد هویت و نشان دهنده جایگاه اجتماعی افراد بوده و این را میتوان از نگاه مسافران خارجی که با دیدگاهی متفاوت در سفرنامه‌های خود بیان کردند مشاهده کرد البته لازم به ذکر است که نه تنها این سفرنامه‌ها بلکه افراد شاخص داخلی هم به این نکات اشاره داشته اند.

پیتر و دلواله^۱ راجع به روسری زنان در دوره شاه عباس می‌نویسد: «روسری زنان شبیه پارچه‌ای است که زنان بغداد هم به کار می‌بردند. رنگ روسری‌ها متفاوت است و دنباله آن از عقب تا روی زمین ادامه پیدا می‌کند. چند رشته مروارید، به طول چهار انگشت به بند پیشانی آنان آویزان است که با حرکت سر به اطراف حرکت می‌کند و به غلاوه دو رشته موی بلند نیز از طرفین صورتشان پایین ریخته و چهره آنان را در بر می‌گیرد» (دلواله، ۱۳۷۰، ۱۴۷).

ژان باپتیست تاورنیه^۲ می‌نویسد: «زنان کلاه کوچکی به شکل برج به سر می‌گذارند و هر کس به اندازه بضاعت و شاننش، کلاه خود را به جواهرات، زینت می‌دهد و بعضی از زیر کلاه، مقنعه‌ای ابریشمی به طرف پشت آویخته دارند که بر حسن و زیبایی آنها می‌افزاید.» (تاورنیه، ۱۳۶۱، ۶۲۷).

جان شاردن^۳ درباره وضعیت پوشاک زنان در دوره شه سلیمان صفوی می‌نویسد: «شاهزاده خانم‌هایی که از دودمان شاهی می‌باشند، این امتیاز را دارند که می‌توانند خنجر بر کمر خویش ببندند. زنان سر خویش را کاملاً می‌پوشانند و از روی آن چارقدی دارند که به شانه شان می‌رسد و گلو و سینه شان را از جلو مستور می‌سازد. عموماً زنان چهار حجاب دارند: دو تا در خانه به سر می‌کنند و دوتای دیگر را هنگام خروج از منزل بر روی آنها می‌افزایند. نخست روسری است که برای آرایش تا پشت بدن آویزان است. دوم پارقد است که از زیر ذقن می‌گذرد و سینه را می‌پوشاند. سوم حجاب سفیدی است که تمام بدن را مستور می‌کند و چهارم به شکل دستمالی (روبند) است که بر روی صورت نهند و مخصوص مساجد و معابد است.» (شاردن، ۱۳۲۵، ۲۱۸).

در بیشتر سفرنامه‌ها به این نکته اشاره دارند که هیچ تفاوت چندانی در پوشش مردان و زنان دیده نمی‌شود مگر استفاده از لایه‌های بیشتر برای زنان با توجه به پوشش متفاوتی نسبت به مردان دارند و همچنین توجه به تاج‌ها و نیم تاج‌ها که زنان متمول و شاهزاده‌ها بر سر می‌گذاشتند و کلاه کوچکی، که گاه از زیر روسری بر سر می‌نهادند و گاه روسری را سر می‌کردند و سپس سرپوش را بر سر می‌گذاشتند.

**معرفی نگاره‌های مطالعه شده
نسخه - نگاره شاهنامه رشیدیا**



تصویر ۶. نمونه‌ای آسمانه‌های تصویر شده در نسخه نگاره «شاهنامه رشیدیا». ماخذ: www.golestanpalace.ir

سمک، عرش و آشکوب». آسمانه در معماری ایرانی، از اولویت و اهمیت زیادی نسبت به دیگر اندام‌های معماری برخوردار است. در مقایسه با معماری نقاط مختلف جهان در اعصار مختلف، تنوع و غنای آن در معماری ایرانی خیره کننده است. معمار ایرانی چنان به سقف می‌پردازد که گویی دغدغه‌ای به جز آن ندارد. وی به سادگی از سطوح پایینی می‌گذرد و توجه خاصش را به آسمانه می‌کند (صفایی پورو پورمند، ۱۳۹۱). انتخاب واژه «آسمانه» برای پوشش، نشان‌های بسیار زیبا و گویا از پشتوانه‌های معنایی این عنصر معماری دارد. این واژه، جایگاه پوشش را از سقفی و سرپناهی عملکردی، به آسمانی معنایی طراحان و باشندگان فضا ارتقا می‌دهد. وجود اصطلاحات فراوانی چون «خیمه دهر»، «چترمینا» و «کاسه سرنگون» و «گنبد دهر» در شعرو ادبیات ایرانی برای آسمان و آسمانه، نشان دهنده اعتقاد نیاکان ایرانی به معنای باطنی پوشش است (اردلان، ۱۳۸۰، ۷۵). این چنین است که در بسیاری از بناهای دوران اسلامی، آسمانه اهمیتی ویژه می‌یابد.

6. Pietro Della Valle

یکی از مشهورترین سیاحان و جهانگردان ایتالیایی که در زمان شاه عباس اول به ایران سفر کرده است.

7. Jean Baptist Tavernier

سیاح فرانسوی که بیش از نه بار ایران را دیده است. اولین سفر وی در زمان شاه صفی و سفرهای دیگرش در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان انجام گرفت.

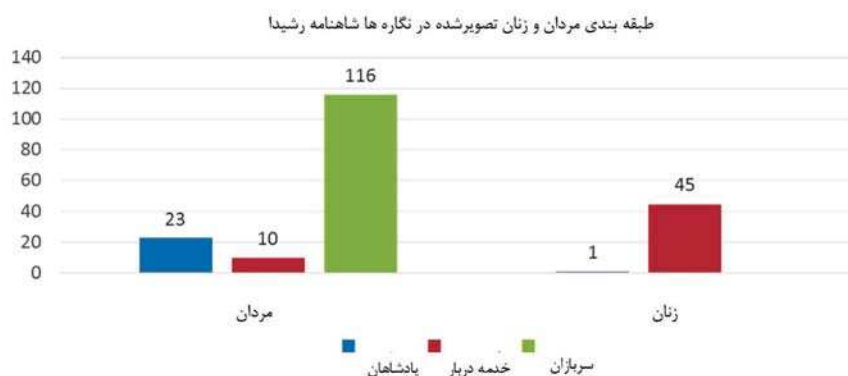
8. John Chardin

سیاح مشهور فرانسوی که در دوره شاه عباس دوم و فرزندش شاه سلیمان در ایران بوده و بر زبان فارسی تسلط داشت.

مطالعه تطبیقی سربویشها و آسمانه‌های تصویر شده در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر جنسیت (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیداد هفت اورنگ جامی) / ۱۵۷-۱۷۱

جدول ۱. طبقه بندی مردان و زنان تصویر شده در نگاره های شاهنامه رشیداد، مأخذ: نگارندگان

تعداد نگاره ها		تعداد نگاره ها	طبقه بندی مردان تصویر شده در نگاره ها		
زنان پادشاه	خدمه دربار		پادشاهان	سربازان	خدمه دربار
۱	۴۵	۱۶	۲۳	۱۱۶	۱۰
۰،۰۲ درصد	۹۹،۹۸ درصد	تعداد زنان تصویر شده در نگاره ها	۱۵،۴ درصد	۷۸ درصد	۶،۶ درصد
جمع کل		جمع کل	جمع کل		
۴۶			۱۴۹		
۲۳،۵ درصد			۷۶،۵ درصد		



نمودار ۱. پراکنندگی شخصیت‌های تصویر شده در نگاره‌های شاهنامه رشیداد، مأخذ: نگارندگان

به پادشاهان بیشتر بوده و این اهمیت آنها را نشان می‌دهد (نمودار ۱).

نسخه - نگاره هفت اورنگ جامی

هفت اورنگ یکی از آثار منظوم جامی است که از هفت بخش تشکیل شده است. این اثر سرشار از قصه‌ها و داستان‌های تعلیمی و تمثیلی است. تعداد کل بیت‌های هفت اورنگ جامی حدود ۲۳۶۴۰ بیت است.

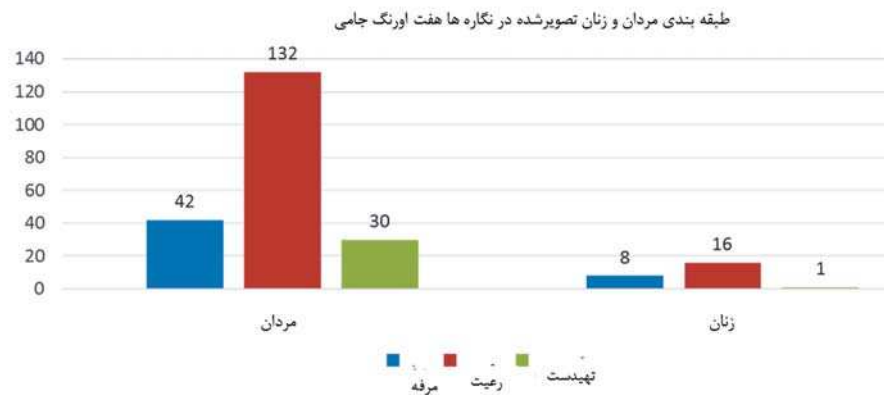
در دوره سلطنت صفویان، پس از شاهنامه شاه تهماسبی با ۲۵۸ نگاره، شاید یکی از برجسته‌ترین و در عین حال درخشان‌ترین آثار نگارگری به جا مانده از این دوره پررونق فرهنگی (و در عین حال سیاسی و اقتصادی)، هفت

نسخه خطی شاهنامه رشیداد در قطع ۲۶،۷ × ۴۴،۵ سانتیمتر و متعلق به موزه کاخ گلستان تهران است. ۹۳ نگاره این شاهنامه، داستانهای حماسی شاهنامه را با موضوع‌های اساطیری، پهلوانی و تاریخی به تصویر کشیده اند. نگاره‌های آن به سبکی یکدست و هماهنگ که می‌توان از آن به «سبک هاشوری و پرداز» تعبیر کرد، کار شده‌اند (حسینی راد، ۲۳۷، ۱۳۸۴).

در جدول ۱ به طبقه‌بندی جنسیتی و ارائه آماری از نگاره‌های مورد مطالعه شاهنامه رشیداد انجام گرفته است که نشان می‌دهد که آمار مردان نسبت به زنان بیشتر بوده و از لحاظ آماری بیشتر از ۲،۵ برابر است. بررسی‌ها حاکی از آن است که تعدد سربازان و خدمه دربار نسبت

جدول ۲. طبقه بندی مردان و زنان تصویر شده در نگاره‌های هفت اورنگ جامی، مأخذ: نگارندگان

طبقه‌بندی زنان تصویر شده در نگاره‌ها			تعداد نگاره‌ها	طبقه‌بندی مردان تصویر شده در نگاره‌ها			تعداد نگاره‌ها
تهیدست	رعیت	مرفه		تهیدست	رعیت	مرفه	
۱	۱۶	۸	۹	۳۰	۱۳۲	۴۲	۹
۴ درصد	۶۴ درصد	۳۲ درصد	تعداد زنان تصویر شده در نگاره‌ها	۱۴،۷ درصد	۶۴،۷ درصد	۲۰،۶ درصد	تعداد مردان تصویر شده در نگاره‌ها
جمع کل				جمع کل			
۲۵				۲۰۴			
۱۱ درصد				۸۹ درصد			



نمودار ۲. پراکندگی شخصیت‌های تصویر شده در نگاره‌های هفت اورنگ جامی، مأخذ: نگارندگان

بیشتر به بخش سرپوش زنان و مردان پرداخته و با مطابقت آن‌ها با پوشش بناهای (آسمانه‌ها) تصویر شده در نگاره‌های مذکور به تحلیل محتوایی بیانجامد. برای رسیدن به اهداف مذکور سرپوش‌ها را در هر یک از نسخه‌های «شاهنامه رشیدا» و «هفت اورنگ جامی» مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

سرپوش‌ها در نگاره شاهنامه رشیدا

در پوشش‌های سر تصویر شده در شاهنامه رشیدا می‌توان با توجه به قرارگیری در فضای عمومی و خصوصی به تقسیم بندی کلی دست یافت، در ادامه با توجه به جایگاه اجتماعی افراد سرپوش‌ها به حالت‌های هندسی متفاوتی تقسیم شده‌اند. که با توجه به جنسیت به بررسی هریک از

اورنگ ابراهیم میرزا است. هفت اورنگ شامل هفت مثنوی است که به تقلید از خمسه نظامی، توسط مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۹۷-۸۱۷ ه.ق.) بین سال‌های ۸۹۲-۸۷۵ ه.ق. تصنیف شده است (حسینی، ۱۳۸۵).

در جدول ۲ به طبقه‌بندی جنسیتی و ارائه آماری از نگاره‌های مورد مطالعه هفت اورنگ انجام گرفته است که نشان می‌دهد که آمار مردان نسبت به زنان بیشتر بوده و از لحاظ آماری بیشتر از ۸ برابر است. بررسی‌ها حاکی از آن است که تعدد رعیت عادی و تهیدست نسبت به مرفه بیشتر بوده و این اهمیت آنها را نشان می‌دهد (نمودار ۲).

سرپوش‌ها در نگاره‌ها

در پژوهش حاضر سعی شده است که از لحاظ پوشاک

مطالعه تطبیقی سرپوش‌ها و آسمانه‌های تصویرشده در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر جنسیت (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیداد و هفت اورنگ جامی) / ۱۵۷-۱۷۱

جدول ۳. دسته بندی و تحلیل سرپوش‌های مردان و زنان در نگاره‌های شاهنامه رشیداد، ناخذ: نگارندگان

دسته بندی و تحلیل سرپوش‌های مردان و زنان در نگاره‌های شاهنامه رشیداد									
خدمه دربار			سربازان			پادشاهان			
تصاویر ۷- مردان با سرپوش‌های متنوع تصویر شده در نسخه نگاره «شاهنامه رشیداد»، ناخذ: www.golestanpalace.ir									
تقسیم بندی سرپوش‌ها									
تحلیل موردی سرپوش‌ها									
در خدمه دربار نیز می‌توان گفت هندسه سرپوش جایگاه و طبقه اجتماعی را به گونه‌ای که در شکل دیده اید مشخص می‌کند.			استفاده از سرپوش‌های ایستا برای نشان دادن ابهت مردان، چه در زمان جنگ و چه از لحاظ اجتماعی، این در بناها نیز قابل رویت است.			استفاده از هندسه‌های چهار ضلعی، شش ضلعی و هشت ضلعی و همچنین دایره که می‌توان جایگاه اجتماعی افراد را هم در هندسه و هم در ارتفاع سرپوش‌ها مشاهده کرد.			
گروه خدمه درباریان						همسر پادشاهان			
تصاویر ۸- زنان با سرپوش‌های متنوع تصویر شده در نسخه نگاره «شاهنامه رشیداد»، ناخذ: www.golestanpalace.ir									
تقسیم بندی سرپوش‌ها									
تحلیل موردی سرپوش‌ها									
هندسه دوار و پیچشی			هندسه ملایم و چادری			هندسه ملایم و دوار			
در سرپوش‌های استفاده شده در گروه خدمه دربار بیشتر آنها هندسه ملایم و نرمی استفاده شده است که این بر گرفته از خصلت زنانگی را نشان میدهند و با توجه به محرمیت و لطافتی که در جنسیت زنانه وجود دارد برگرفته از آن بوده است.						استفاده از هندسه چهار ضلعی.			

سرپوش‌های مردان تصویر شده

سرپوش‌های زنان تصویر شده

جدول ۴. دسته بندی و تحلیل سرپوش‌های مردان و زنان در نگاره‌های هفت اورنگ جامی، ماخذ: نگارندگان.

سرپوش‌های مردان تصویر شده	مرفه		رعیت							تهیدست	
	تقسیم بندی سرپوش‌ها										
سرپوش‌های زنان تصویر شده	تصاویر ۹- مردان با سرپوش‌های متنوع تصویر شده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی»، ماخذ: www.freersackler.si.edu										
تجزیه و تحلیل سرپوش‌ها	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و استفاده از تزیینات برجسته جدا شده است.	هندسه دواری شکل ولی بدون تزیینات که از طبقه مرفه جدا شده است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی کم که نشانه جایگاه اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد.
											
	دایره ختم شده است. البته می‌توان جایگاه اجتماعی را هم در هندسه و هم در ارتفاع سرپوش‌ها مشاهده کرد.		استفاده از سرپوش‌های ایستا برای نشان دادن اہت مردان، از لحاظ اجتماعی، این در بناها نیز قابل رویت است.							در گروه تهیدست نیز می‌توان گفت هندسه سرپوش جایگاه و طبقه اجتماعی را به گونه‌ای که در شکل دیده اید مشخص می‌کند.	
سرپوش‌های زنان تصویر شده	مرفه		رعیت				تهیدست				
تقسیم بندی سرپوش‌ها											
	تصاویر ۱۰- زنان با سرپوش‌های متنوع تصویر شده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی»، ماخذ: www.freersackler.si.edu										
تجزیه و تحلیل سرپوش‌ها	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.	هندسه دواری شکل و با ارتفاعی بلند که نشانه جایگاه اجتماعی فرد است.			
											
	هندسه خاصی نداشته و جایگاه اجتماعی با توجه به تزیینات بوده است.		در سرپوش‌های استفاده شده در گروه رعیت دربار بیشتر آنها هندسه مشخصی را نشان نمی‌دهند و با توجه به محرمیت و لطافتی که در جنسیت زنانه وجود دارد برگرفته از آن بوده است.				در گروه تهیدست نیز می‌توان گفت هندسه سرپوش جایگاه و طبقه اجتماعی را به گونه‌ای که در شکل دیده اید مشخص می‌کند.				

مطالعه تطبیقی سرپوش‌ها و آسمانه‌های تصویر شده در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر جنسیت (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیداد و هفت اورنگ جامی) / ۱۵۷- ۱۷۱

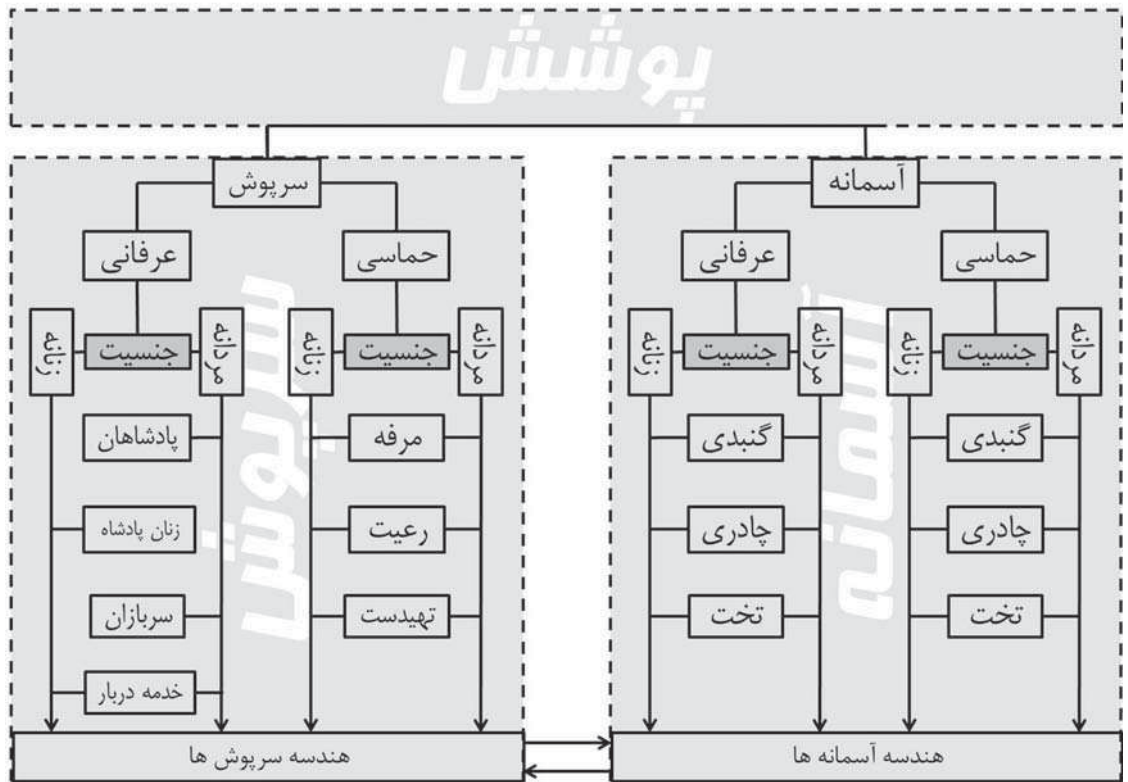
جدول ۵. دسته بندی و تحلیل آسمانه‌ها در نگاره‌های شاهنامه رشیدی و هفت اورنگ جامی، ماخذ: نگارندگان

دسته بندی و تحلیل آسمانه بناهای تصویر شده در نگاره‌های شاهنامه رشیداد							
تقسیم بندی آسمانه‌ها با توجه به نگاره‌ها	تخت چند وجهی با ارتفاع کم			تخت شش وجهی با ارتفاع زیاد		گنبدی شکل	
تصاویر ۱۱- بناهای تصویر شده در نسخه نگاره «شاهنامه رشیداد»، ماخذ: www.golestanpalace.ir							
تحلیل موردی	با توجه به اینکه این بناها مخصوص زنان بوده، آسمانه آنها نیز خصلت زنانه بودن آن نیز مشاهده می‌شود که محرمیت در آسمانه نیز دیده می‌شود.			در این نوع بناها و آسمانه برای اینکه ابهت و چیرگی بر فضا را داشته باشد نیاز به تناسب ارتفاعی است که این ارتفاع در سرپوش‌های مردانه نیز مشاهده می‌شود که خود آن نیز نشانه خودنمایی است.			فرم هندسی آسمانه بر گرفته است از سرپوش زرهی مردان.

ادامه جدول ۵

دسته بندی و تحلیل آسمانه بناهای تصویر شده در نگاره‌های هفت اورنگ جامی						
تقسیم بندی آسمانه‌ها با توجه به نگاره‌ها	تخت چند وجهی		تخت شش وجهی		گنبدی شکل	
	قلعه و مسجد	کوشک	حمام	کوشک	آلاچیق	خیمه
تصاویر ۱۲- بناهای تصویر شده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی»، ماخذ: www.freersackler.si.edu						
تحلیل موردی	با توجه به اینکه این بناها مخصوص زنان بوده، آسمانه آنها نیز خصلت زنانه بودن آن نیز مشاهده می‌شود که محرمیت در آسمانه نیز دیده می‌شود.		در این نوع بناها و آسمانه برای اینکه ابهت و چیرگی بر فضا را داشته باشد نیاز به تناسب ارتفاعی است که این ارتفاع در سرپوش‌های مردانه نیز مشاهده می‌شود که خود آن نیز نشانه خودنمایی است.		فرم هندسی آسمانه بر گرفته است از سرپوش زنان است.	
با توجه به روایت عرفانی در بناهای عمومی در برخی از هندسه‌های با ارتفاع زیاد جهت برون نمایی و در برخی دیگر از هندسه شش وجهی ما		با توجه به روایت عرفانی در بناهای عمومی در برخی از هندسه‌های با ارتفاع کم می‌توان در سرپوش‌ها هم مشاهده کرد.		هندسه دوار و ملایم		

جدول ۶. مقایسه تطبیقی آسمانه‌های بناهای تصویری شده در نگاره‌های شاهنامه رشی‌دا و هفت اورنگ، ماخذ: نگارندگان



است ولی با این تفاوت که از تزیینات بیشتری برای نشان دادن جایگاه اجتماعی استفاده شده است چنانچه سر و گردن را تزیینات پوشانده‌اند

سرپوش‌های مردان تصویر شده در هفت اورنگ جامی با توجه محتوای عرفانی، از هندسه و فرم‌های دوار همراه با تزیینات ولی با ارتفاع‌های متفاوت استفاده شده که خود نشانگر جایگاه اجتماعی افراد است.

دسته‌بندی سرپوش‌ها در نگاره‌ها

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در نگاره‌هایی که زمینه حماسی داشته‌اند سرپوش‌ها با توجه به جایگاه اجتماعی به پادشاهان و همسرهایشان، سربازان و خدمه درباریان طبقه‌بندی می‌شوند (جدول ۳). در نگاره‌هایی که زمینه عرفانی داشته‌اند سرپوش‌ها با توجه به جایگاه اجتماعی به دسته مرفه، رعیت و تهیدست طبقه‌بندی می‌شوند (جدول ۴).

آسمانه‌ها در نگاره‌ها

در نگاره‌ها با توجه به فضاهای مختلفی وجود داشته است، به نسبت از آسمانه‌های مختلفی استفاده شده است که از فرم و هندسه خاصی بهره برده است برای مثال از هندسه

آنها خواهیم پرداخت.

سرپوش‌های زنان تصویر شده در این نگاره که اغلب از هندسه نرم و لطیف که برگرفته از خصلت زنانه است استفاده شده است. در شاهنامه رشیدا با توجه به محتوای حماسی، از تاج‌ها و همین‌طور کلاه‌هایی استفاده شده است که خود به صورت نمادین جایگاه اجتماعی فرد را به نمایش می‌گذارد.

سرپوش‌های مردان تصویر شده در شاهنامه رشیدا با توجه به اینکه یک نگاره حماسی بوده بیشتر از هندسه‌های چندضلعی و فرم‌های ایستا برای نشان دادن ابهت مردان چه در زمان جنگ و چه از لحاظ جایگاه اجتماعی استفاده شده است.

سرپوش‌ها در نگاره هفت اورنگ جامی

در نگاه کلی سرپوش‌های تصویر شده در نگاره هفت اورنگ جامی با حضور در فضای عمومی و خصوصی تقسیم بندی می‌گردد، در ادامه با توجه به جایگاه اجتماعی افراد سرپوش‌ها با توجه به جنسیت مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سرپوش‌های زنان تصویر شده در این نگاره نیز از هندسه نرم و لطیف که برگرفته از خصلت زنانه است استفاده شده

مطالعه تطبیقی سربوش‌ها و آسمانه‌های تصویر شده در نگاره‌های دوره صفوی با تأکید بر جنسیت (نمونه‌های موردی: شاهنامه رشیداو هفت اورنگ جامی) / ۱۵۷- ۱۷۱

جدول ۶. مقایسه تطبیقی آسمانه‌های بناهای تصویر شده در نگاره‌های شاهنامه رشیداو هفت اورنگ ، ماخذ: نگارندگان

مقایسه تطبیقی آسمانه‌های بناهای تصویر شده در نگاره‌های شاهنامه رشیداو (حماسی) و هفت اورنگ جامی (عرفانی)						
دسته بندی آسمانه بناهای تصویر شده در نگاره‌های شاهنامه رشیداو						
تخت چند وجهی با ارتفاع کم	تخت شش وجهی با ارتفاع زیاد		گنبدی شکل			
کوشک	قلعه		خیمه			
						
تصاویر ۱۳- بناهای تصویر شده در نسخه نگاره «شاهنامه رشیداو» ، ماخذ: www.golestanpalace.ir						
دسته بندی آسمانه بناهای تصویر شده در نگاره‌های هفت اورنگ جامی						
تخت چند وجهی	تخت شش وجهی		گنبدی شکل			
قلعه و مسجد	کوشک	حمام	کوشک		آلاچیق	خیمه
						
تصاویر ۱۴- بناهای تصویر شده در نسخه نگاره «هفت اورنگ جامی» ، ماخذ: www.freersackler.si.edu						
با توجه به روایت عرفانی در بناهای عمومی در برخی از هندسه‌ای با ارتفاع زیاد و در برخی دیگر از هندسه شش وجهی ملایم و با ارتفاع کم استفاده شده است.	با توجه به وجود محرمیت در کوشک استفاده از هندسه شش وجهی ملایم و با ارتفاع کم با حفظ محرمیت.	با توجه به روایت عرفانی استفاده از هندسه شش وجهی ملایم و با ارتفاع کم می‌توان در سربوش‌ها هم مشاهده کرد.	با توجه به روایت حماسی استفاده از هندسه شکسته با خصلت مردانگی و نشان دادن قدرت با ارتفاع زیاد.	هندسه تیز باخصلت مردانگی		
						
<p>تحلیل‌های تطبیقی انجام گرفته بین آسمانه‌ها و سربوش‌ها حاکی از آن است که این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل بین یکدیگر وجود داشته و جنسیت هم به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بوده است که این را می‌توان به صورت بصری مشاهده کرد که در بناهایی که مردان نقش پررنگی را ایفاء می‌کنند از فرم و هندسه شکسته و با عظمت -خصلت مردانگی- و برعکس در بناهایی که بانوان نقش اصلی را ایفاء می‌کنند از فرم و هندسه نرم و ساکن-خصلت زنانگی- استفاده شده است که در طراحی سربوش‌ها هم صدق می‌کند و در برخی موارد این تأثیرگذاری تا حدی پیش رفته است که از طرح خود سربوش به عنوان آسمانه استفاده شده است.</p>						

به فضاهای عمومی و خصوصی دسته بندی می‌شوند که با توجه به محتوای عرفانی از فرم و هندسه‌های نرم و با ارتفاع کوتاه استفاده شده است که این نشانگر حضور پرننگ بانوان در اکثر فضاها است. در کل عنصر "آسمانه" در نگاره‌های مذکور به سه گروه تخت چند وجهی، تخت شش وجهی و گنبدی تقسیم شده است (جدول ۵).

جدول ۵- دسته بندی

با توجه به بررسی‌های سرپوش‌ها و آسمانه‌ها در هر یک از نسخه‌های شاهنامه رشیدا و هفت اورنگ جامی می‌توان به یک نمودار کلی از پوشش‌ها دست یافت که با وجود محتوای حماسی و عرفانی نگاره‌های مورد مطالعه جنسیت نقش پرننگی را در شکل‌گیری فرم و هندسه سرپوش‌ها و آسمانه‌ها ایفاء کرده و یکی از عوامل کلیدی در تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها بر یکدیگر است (نمودار ۳).

شش وجهی و هشت وجهی در کوشک‌ها استفاده شده است (سلطان زاده، ۱۳۸۷، ۸۳) و از فرم گنبدی در فضاهای مساجد و چادر و خیمه استفاده شده است (سلطان زاده، ۱۳۸۷، ۹۳). در ادامه آسمانه‌ها در هر یک از نسخه‌های «شاهنامه رشیدا» و «هفت اورنگ جامی» مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

آسمانه‌ها در نگاره شاهنامه رشیدا

آسمانه‌های تصویر شده در شاهنامه رشیدا به صورت کلی به فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی تقسیم بندی می‌شوند که با توجه به محتوای حماسی از فرم و هندسه‌های تیز و با ارتفاع بلند برای فضاهایی استفاده شده است که حضور مردان نقش پرننگی دارند و برعکس در فضاهایی که نقش بانوان زیاد به چشم می‌خورد از فرم‌های نرم و تخت با ارتفاعی کوتاه استفاده شده است.

آسمانه‌ها در نگاره هفت اورنگ جامی

با نگاه کلی آسمانه‌های تصویر شده در هفت اورنگ جامی

نتیجه

نگاره‌ها یکی از اسناد تصویری قابل استناد در حوزه هنری به شمار می‌روند که با استفاده از طرح‌های هندسی و اسلیمی رویدادهای تاریخی را به تصویر کشیده است. پوشش در نگاره‌های دوره صفوی خود نمادی از جایگاه اجتماعی و نشانه قدرت و حریم بوده است که این در دوره‌ای صورت می‌گیرد که تغییرات گسترده‌ای در این زمینه چه از لحاظ تزئینی و چه از لحاظ سازه‌ای حاصل گردیده است. سرپوش به عنوان بخش پر اهمیت پوشاک جایگاه ویژه‌ای را در فرهنگ ایرانی - اسلامی داشته چنانکه در نگاره‌های دوره صفوی با تنوع زیادی روبرو شده و بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، پوشش از جنبه عنصر انسانی «سرپوش» از لحاظ هندسی در سه دسته بندی قرار می‌گیرد که با توجه به محتوای عرفانی به گروه‌های مرفه، رعیت و تهیدست و در حماسی به گروه‌های پادشاهان، سربازان و خدمه دربار (نمودار ۳) و نیز می‌توان این دسته بندی را در عنصر معماری «آسمانه» نیز مشاهده کرد که به سه گروه تخت چند وجهی، تخت شش وجهی و گنبدی تقسیم شده است. در پاسخ به سوالات مطرح شده در مقدمه این پژوهش، در مورد تأثیرپذیری آسمانه‌ها و سرپوش‌های تصویر شده در نگاره‌های دوره صفوی از یکدیگر، چنان که اشاره شد عوامل متعددی را میتوان ذکر کرد که جنسیت یکی از اساسی‌ترین آنهاست با توجه به مطالعات تحلیلی، «جنسیت» عاملی برای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به شمار می‌رود که در شکل‌گیری فرم و هندسه هر یک از آنها نقش پر رنگی را ایفاء می‌کند. این تغییرات فرمی و هندسه‌ای به وجود آمده در سرپوش‌ها و آسمانه‌ها باعث تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم آنها به یکدیگر شده است که این را می‌توان در جداول مربوطه مشاهده کرد (جدول ۶). لازم به توضیح است طبق مطالعه تطبیقی انجام شده بین سرپوش‌ها و آسمانه‌ها، جنسیت یکی از عوامل اشتراکی است که در تأثیرگذاری آن دو بر یکدیگر نقش اساسی داشته چنانکه در آسمانه‌هایی که حضور مردان

پررنگ بوده از فرم‌های شکسته و با عظمت و تیز - که میتوان آنها را خصلت مردانگی نامید - استفاده شده که این موضوع در سرپوش‌ها نیز صدق می‌کند و برعکس در فضاهایی که حضور بانوان نقش پررنگی داشته‌اند از فرم و هندسه نرم و ساکن و لطیف - که میتوان آنها را خصلت زنانگی نامید - استفاده شده است. لازم به ذکر است که در برخی موارد نگارگر به صورت مستقیم از سرپوش‌های مردان و بانوان به عنوان آسمانه استفاده کرده است که این رابطه هندسی موجود موجب خلق آثار متنوع و در عین حال با خصلت‌های جنسیتی متفاوت گردیده است. بنابراین جنسیت باعث به وجود آمدن رابطه تنگاتنگی بین «سرپوش» و «آسمانه» شده است. در این پژوهش، پوشش‌ها از لحاظ فرم و هندسه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و با توجه به وسعت مطالب می‌توان آنها را از جنبه‌های دیگری نیز (از جمله رنگ و ...) مورد مطالعه قرار داد.

منابع و مآخذ

- آدمیان، مرضیه عظیمی هاشمی، مژگان صنعتی شرقی، نادر. تحلیل جامعه شناختی سبک پوشش زنان. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، شماره ۴، سال سوم (۱۳۹۱): ۱۶۱-۱۸۶.
- انصاری یکتا، مریم‌احمدی پیام، رضوان. بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویرشده در شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی. نشریه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۴، دوره ۶ (۱۳۹۳): ۵۳۱-۵۵۱.
- تقوی، عابد موسوی، سیده مونا. بررسی حضور اجتماعی زنان و سیر تحول پوشش در نگاره‌های عصر صفوی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، شماره ۱۸، سال پنجم (۱۳۹۲): ۸۱-۱۰۲.
- جعفرپور، علی و نوری مجیدی، مهرداد. وضعیت پوشاک زنان در عصر صفوی (با تکیه بر سفرنامه نویسان فرنگی). مسکویه دانشگاه آزاد ری، شماره ۵، ۱۳۸۵: ۴۹-۶۴.
- جعفری، علی اکبر. بررسی حجاب و نوع پوشش زنان زرتشتی در ایران عصر صفوی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۳، دوره چهارم (۱۳۹۰): ۲۳-۴۳.
- جلیلیان، شهرام فاطمی، سید علی. پوشش زنان در ایران باستان (مطالعه موردی دوره هخامنشیان). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۳، سال چهارم (۱۳۹۰): ۱-۲۲.
- جوادی یگانه، محمدرضا کشفی، سید علی. نظام نشانه‌ها در پوشش. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۳۸، سال دهم (۱۳۸۶): ۶۲-۸۷.
- حسینی راد، عبدالمجید. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران، موسسه توسعه هنرهای تجسمی.
- حسینی، مهدی. هفت اورنگ جامی به روایت تصویر. کتاب ماه هنر، شماره (۱۰۲-۱۰۱)، سال نهم (۱۳۸۵): ۶-۱۹.
- رفعت چاه، مریم. هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۳۸، سال دهم (۱۳۸۶): ۱۳۵-۱۷۹.
- زاهد، سید سعید کاوه، مهدی. گفتمان پوشش ملی در ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۴، دوره اول (۱۳۹۱): ۴۹-۷۴.
- سادات نقوی، منیرمراثی، محسن. مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان. نشریه مطالعه تطبیقی هنر (دو فصلنامه علمی پژوهشی)، شماره ۳، سال دوم (۱۳۹۱): ۱-۱۷.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۸۷). فضاهای معماری و شهری در نگارگری ایرانی. تهران: انتشارات پیام - صفایی پور، هادیپورمند، حسنعلی. معنای پوشش در معماری عصر صفوی. نشریه هنرهای زیبا -



- معماری و شهرسازی، شماره ۱، دوره هفدهم (۱۳۹۱): ۳۹-۴۸.
- متین، پیمان. پوشاک و هویت قومی و ملی. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۳. سال پنجم (۱۳۸۳).
- مقبلی، آناهیتا جباری، انسیه. پژوهشی در نسخه نگاره «شاهنامه رشیدا» در مکتب نگارگری اصفهان. مجله چیدمان، شماره ۶. سال سوم (۱۳۹۳): ۸۲-۸۹.
- ولی بیگ، نیمامهدی زاده سراج، فاطمه‌تهرانی، فرهاد. ویژگی‌های هندسی و ریاضی در ساختار چفد پنج او هفت تند در پوشش تاق آهنگ ایرانی. نشریه مرمت، آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی. شماره ۳. سال دوم (۱۳۹۱): ۳۹-۴۹.
- ولی قوجق، منصور مهرپویا، حسین. مطالعه تطبیقی تن پوشهای مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه. دو فصلنامه علمی-پژوهشی مقایسه تطبیقی هنر. شماره ۱۲. سال ششم (۱۳۹۵): ۴۱-۵۵.
- یاسینی، سیده راضیه. تعاملات اجتماعی و پوشیدگی زنان، خوانش بصری بازنمایی پوشش زنان در فضاهاى خصوصى و عمومى در نگاره‌های اصیل ایرانی. مطالعات فرهنگ-ارتباطات. شماره ۲۹. سال شانزدهم (۱۳۹۴): ۱۰۱-۱۳۲.
- Abd. Manan, Mohd. Shahrudin ; L. Smith, Chris. BEYOND BUILDING: ARCHITECTURE THROUGH THE HUMAN BODY. UNIVERSITI PUTRA MALAYSIA, Alam Cipta.No. 1.2012: 35-42.
- Ertas, Sebnem ; Samlioglu, Tulay. Architecture Education and Fashion Design: “Fashion – Reject Studio” in International Architecture Students Meeting, Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2015:149 – 154.
- Farahat ,Baher ismail.The interrelationship between fashion and architecture,al-azhar university engineering journal. JAUES.No.6.2014:1-17.
- Houghteling, Sylvia. «The Emperor’s Humbler Clothes: Textures of Courtly Dress in Seventeenth-century South Asia.» Ars Orientalis.No. 47.2017: 91-116.
- Özsavaş Akçay, Ayten; Alothman, Hiba.Fashion Inspired by Architecture: The Interrelationship between Mashrabiya and Fashion World. Journal of History Culture and Art Research.No.2.2018:328-351.
- Schuster, Michael. Field of Flowers: Mughal Carpets and Treasures Textile Society of America Symposium Proceedings. 2008.
- www.freesackler.si.edu
- www.golestanpalace.ir



Mogh-Beli, Anahita; Jabari, Aniseh. Research in the «Shahnameh Rashida» manuscript in the Isfahan School of Painting. *Chideman*. No.6.2014:82-89.

Özsavaş Akçay, Ayten; Alothman, Hiba. Fashion Inspired by Architecture: The Interrelationship between Mashrabiya and Fashion World. *Journal of History Culture and Art Research*. No.2.2018:328-351.

Raf-At-Chah, Maryam. Women's human identity in the challenge of makeup and fashion. *The Quarterly Journal Of Women and Family Socio Cultural Council*. No.38.2007:135-179.

Sadat-E-Naghavi, Monir; Mer-asi, Mohsen. Comparative study of men's hats in Safavid travelogues and drawings with emphasis on the murals of Chehelston Palace in Isfahan. *Scientific Journal of Motaleate-e Tatbighi-e Honar*. No.3.2012:1-17.

Safayipour, Hadi; Pourmand, Hossein-Ali. The meaning of cover in Safavid architecture. *Honar-Ha-Ye-Ziba*. No.1.2012:39-48.

Schuster, Michael. *Field of Flowers: Mughal Carpets and Treasures Textile Society of America Symposium Proceedings*. 2008.

Soltanzadeh, Hossein. 2008. *Architectural and urban spaces in Iranian painting*. Tehran. Payam Publications.

Taghavi, Abed; Mousavi, Seyedeh Mona. Investigating the social presence of women and the evolution of clothing in Safavid paintings. *Journal of woman and culture*. No.18.2013:81-102.

Vali Ghogh, Mansour; Mehrpouya, Hosein. A Comparative Study of Men's Clothes in Travel Memoirs and Drawings of Safavid Period. *Scientific Journal of Motaleate-e Tatbighi-e Honar*. No.12.2016:41-55.

Vali-Beig, Nima; Mehdizadeh-Seraj, Fatemeh; Tehrani, Farhad. Geometric and mathematical features in the structure of Chahd Panj O Haft in the cover of the Iranian arch. *Journal of Maremat & Memari-e Iran*. No.3.2012:39-49.

www.freesackler.si.edu

www.golestanpalace.ir

Yasini, Seyedeh-Razie. Social Interactions and Women's Wear, Visual Reading Representation of Women's Coverage in Private and Public Spaces in Original Iranian Pictures. *Culture-Communication Studies*. No.29.2015:101-132.

Zahed, Seyed-Saeid; Kaveh, Mahdi. National Coverage Discourse in Iran. *Quarterly of social studies and research in Iran*. No.4.2012:49-74.



other and also the geometric and formal relationship between them, and finally how to respond to this influence. Therefore, in this article, by collecting information and visual documents through library research method and selecting the studied samples from Safavid period paintings - with different contents such as epic and mystical - various types of coverings have been achieved and by the method of Semiotic analysis, which is of qualitative and descriptive-analytical type, they have been studied while this influence of human and architectural coverings on each other have been examined comparatively. The results of studies conducted in the above paintings indicate that there are several factors regarding the impact of the two on each other, and gender, as one of these factors, has played a colorful role which is noticeable in the paintings and can be observed which shows close relationship between them. In the Asemaneh-ha the presence of men is bold, and rough with majestic forms - which can be called masculine traits - which is also true in the Sarpoosh-ha, in contrast to the spaces where the presence of women has played a prominent role, soft, static and delicate forms - which can be called feminine traits - are used. It should be noted that in this article, coverage has been studied in terms of form and geometry, and due to the breadth of the content, they can be studied from other aspects (including color, etc.) as well.

Keywords: Gender, Sarpoosh, Asemaneh, Paintings, Rashida, Haft-Awrang, Safavid

References: Abd. Manan, Mohd. Shahrudin ; L. Smith, Chris. BEYOND BUILDING: ARCHITECTURE THROUGH THE HUMAN BODY. UNIVERSITI PUTRA MALAYSIA, Alam Cipta.No .1.2012: 35-42.

Adamian, Marziyeh; Azimi Hashemi, Mozhgan; Sanati Sharghi, Nader. Sociological analysis of women's clothing style. Quarterly Journal Of Woman and Society.No.4.2012:161-186.

Ansari Yekta, Maryam; Ahmadi Payam, Rezvan. Comparative study of women's clothing depicted in Shahnameh Baysanghari and Shah-Tahmasbi. Journal of women in culture and arts. No.4.2014:531-551.

Ertas, Sebnem ; Samlioglu, Tulay. Architecture Education and Fashion Design: "Fashion – Reject Studio" in International Architecture Students Meeting, Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2015:149 – 154.

Farahat ,Baher ismail. The interrelationship between fashion and architecture, al-azhar university engineering journal. JAUES.No.6.2014:1-17.

Hosseini, Mahdi. Haft Orang Jami according to the picture. ketab-e-mah-honar.No.(101-102).2006:6-19.

Hosseini-Rad, Abdol-Majid. 2005. Masterpieces of Iranian painting. Tehran. Institute for the Development of Contemporary Visual Arts.

Houghteling, Sylvia. «The Emperor's Humbler Clothes: Textures of Courtly Dress in Seventeenth-century South Asia.» Ars Orientalis.No. 47.2017: 91-116.

Jafari, Ali Akbar. Investigating the hijab and the type of covering of Zoroastrian women in Safavid Iran. Journal of Iranian Cultural Research.No.3.2011:23-43.

Jafarpour, Ali; Nouri Majidi, Mehrdad. The situation of women's clothing in the Safavid era (Relying on foreign travel writers). Maskaviyeh.No.5.2006:49-64.

Jalilian, Shahram; Fatemi, Seyed Ali. Women's clothing in ancient Iran; (Achaemenid Case Study). Journal of Iranian Cultural Research.No.3.2011:1-22.

Javadi Yeganeh, Mohammad-Reza; Kashfi, Seyed-Ali. The system of signs in the cover. The Quarterly Journal Of Women and Family Socio Cultural Council.No.38.2007:62-87.

Matin, Peyman. Clothing and ethnic and national identity. National Studies.No.3.2004.

Comparative Study of Covers- «Sarpoosh-ha» with «Asemaneh-ha»-Depicted in Safavid Paintings with Emphasis on Gender (Case Studies: Rashida and Jami's Haft-Awrang)

Azita Balali Oskui, Associate Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Milad Tabaghchi Salem, MA Student of Islamic Architecture, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Received: 2020/06/01 Accepted: 2020/11/14



Coverage has been a symbol of culture in different eras and shows the social status of individuals and society. Iran is located in a special region and because of that; it has a people with different cultures and religions which has led to diversity in the way of life and coverage. According to the history of several thousand years, it has a richness in terms of its shape and geometry that can be seen in paintings of different periods. Coverage has many lexical meanings and refers to different aspects. In this article, two aspects of it are mentioned - which include the human element or the «Sarpoosh», and also the architectural element, which is called «Asemaneh». They have a special importance and place in the Iranian-Islamic culture and it is due to the existence of various religions that Iran is one of the richest civilizations in the world, and therefore it has various and original covers; as inspired by Western artists in different periods. Since clothing is the protector of individuals' privacy and architecture is the protector of society's privacy and the Sarpoosh is known as one of the main components of clothing and the Asemaneh is also known as one of the main components of architecture; both of them are related to humans, so the relationship between them cannot be ignored. The point to consider in the discussion of coverage is the factors that have affected them in various ways, one of the most important and fundamental of which is gender. Previous studies show that gender has been influential in the coverage of human beings, but how can this influence be observed in the coverage of Safavid period paintings? The main purpose of this study is to investigate the impact of human and architectural coatings on each other in paintings and to find out the answers to these questions: - Is there an influence between Sarpoosh-ha and Asemaneh-ha in the paintings of the Safavid period? - Which factors influence between them? - What role does gender play in this influence? Paintings in different periods are one of the most significant visual documents through which the painter has helped to recognize different periods by using creativity and special illustration, and of course, by using geometric and Islamic shapes to simplify historical events. Forms and geometries have played an important role in the artist's expressions, which change according to the context, and cause different emotions. In some cases, broken and sharp forms, and in other subjects, soft and curved forms are used. The painter has tried to help express the feelings and knowledge of that time by using the simplest forms and sometimes similarities, which can be seen in the coverings as well as the buildings. It should be noted that due to the nature of this article, in this study, the main focus is on the coverage depicted in the paintings. The best way to collect this information is to refer to paintings from different periods. In this research, we have tried to compare the Sarpoosh and the Asemaneh by selecting paintings with different contents and examine the existence of this influence on each